

سفر و گردشگری در آیینۀ آیات و روایات و فوائد اعتقادی آن

محمد پناهی^۱

چکیده

اسلام دین کامل و جامعی است که به تمام نیازهای فطری انسان توجه کامل داشته و برای تمام نیازهای جسمی و روحی و زوایای پیدا و پنهان زندگی بشر، برنامه و شیوۀ کار ارائه کرده است. سفر و گردشگری از جمله نیازهای روحی و فطری انسان است که در بسیاری از جنبه‌های حیاتی وی نقش مؤثری دارد. سیر و سیاحت در مکتب اسلام جایگاه خاصی دارد و بر اهمیت و ضرورت آن، چه در آیات قرآن کریم و چه در روایات و متون مذهبی بسیار سفارش شده است. این تأکید به دلیل فواید و آثار گوناگونی است که در سیر و سیاحت نهفته است و انسان در طی مسافرت به آن‌ها می‌رسد. در این تحقیق با روش تحلیلی توصیفی و به صورت کتابخانه‌ای اهمیت سفر و گردشگری و فوائد آن از منظر قرآن و روایات تحلیل و بررسی شده است. مطالعه آثار تاریخی و عبرت‌آموزی، سلامتی و آرامش، صلۀ رحم، افزایش رزق و روزی از جمله آثار و فوائدی است که در آیات و روایات برای مسافرت و گردشگری ذکر شده است که می‌توان با بیان فوائد ذکر شده برای گردشگری در قالب احادیث معصومین^(ع) مردم را به سفر و گردشگری تشویق کرد.

واژگان کلیدی: سفر، گردشگری، آیات، روایات، فوائد گردشگری

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی، جامعة المصطفی العالمیة، کابل، افغانستان.

ایمیل: Panahi9158087656@yahoo.com



مقدمه

سفر در لغت به معنای سفیدی روز و پیمودن مسافت، (جوهری، ۱۴۱۰، ۲: ۶۸۶) یا به گردش رفتن آمده است. (طریحی، ۱۴۱۶، ۳: ۳۳۲) واژه سفر به معنای کشف کردن و آشکار شدن نیز آمده است. «وَالصُّبْحُ إِذَا أَسْفَرَ» و سوگند به بامداد وقتی آشکار شود. (مدثر: ۳۴) و به همین دلیل چون مردم برای دیدن اماکن و سرزمین‌های جدید می‌روند، به مسافرت رفتن، سفر می‌گویند. (ابوالحسین، ۱۴۰۴، ۳: ۸۲) و مسافرت را از آن جهت سفر گویند که اخلاق مردم در آن آشکار می‌شود، طوری که در غیر آن آشکار نمی‌شود. (قرشی، ۱۴۱۲، ۳: ۲۷۲)

بیش از ۷۵۰ آیه قرآن کریم به ظواهر طبیعت اشاره کرده و ابعاد گوناگون جلوه‌ها و زیبایی‌های آن را یادآور می‌شود. در اغلب این آیات، ما را به مطالعه کتاب طبیعت و پندآموزی آن توصیه می‌کند. بی‌گمان، هدف این آیات، طرح علوم طبیعی و بیان قوانین آن نیست، هر چند به نکاتی اشاره دارد که پس از قرن‌ها اهمیت و حساسیت آن شناخته شده و از این حقیقت خبر می‌دهد که گوینده آن در اتصال به مبدأ الهی و آفریننده جهان است. آفریننده‌ای که از همه چیز خبر دارد و با آگاهی آن‌ها را پدید آورده و برای ما رام کرده است. قرآن کتاب هدایت است و منظور از ذکر این شگفتی‌ها تدبر در موجودات طبیعی و توجه به نشانه‌های آن در اصل خلقت است. قرآن مجید، با به کارگیری واژه «سیر» در شکل‌ها و هیئت‌های گوناگون، دستور به گردشگری و جهانگردی می‌دهد:

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ؛ (آل عمران: ۱۳۷) پیش از شما سنت‌هایی بوده است، پس در زمین بگردید و بنگرید که عاقبت کار آنان که پیامبران الهی را تکذیب می‌کردند، چگونه بوده است!

در آیه دیگر می‌فرماید:

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ؛ (انعام: ۱۱) بگو در زمین سیر کنید و بنگرید که پایان کار مجرمان چگونه بوده است!

در زمانی که هنوز نوشته و کتابی در زمینه شناخت تاریخ و سنن اجتماعی تدوین



نشده بود و مدرسه و دانشگاهی وجود نداشت یا در دسترس عرب و مسلمانان جزیره العرب نبود، خداوند مسلمانان را به سیر و نظر در این مقوله‌ها فرامی‌خواند و از آنان می‌خواهد که در این باره به تفکر و تدبّر پردازند. روشن است که این فراخوانی خود به خود نوعی دستور به جهانگردی و سیر و سفر به مکان‌های تاریخی و جغرافیایی را به دنبال دارد. در آیات قرآن کریم، به بسیاری از نقاط جغرافیایی و تاریخی اشاره شده که همواره مورد توجه باستان‌شناسان قرار گرفته است. مثل مصر، اصحاب حجر (سنگستان)، غار اصحاب کهف، ارم ذات العمداد، سدّ مآرب، احقاف، رودی که بنی‌اسرائیل از آن گذشتند و فرعونیان در آن غرق شدند و...، اگرچه بسیاری از این آثار تاریخی به تدریج بر اثر زمین‌لرزه‌ها، افت و خیز دریاها، زلزله و ریزش‌های زمین، فرسایش خاک و مانند آن دگرگون شده است؛ اما این دعوت قرآن و فرمان به سیر در زمین روحیه کاوشگری و جست‌وجو را در پیروان خود برمی‌انگیزد. پرسش‌های قرآنی ضمن تحریک و ایجاد انگیزه در مسلمانان برای حرکت و گردش در اطراف و اکناف زمین و گشتن در جهان و سیر و سفر در طبیعت و کوه و دشت و هامون این نکته را مطرح می‌کند که برای دریافت سنت‌های تاریخی و نگرش به عاقبت و پایان کار تمدن‌های عظیم و بناهای تاریخی و جغرافیایی، نباید تنها به مطالعه آثار پرداخت، بلکه باید همت کرد و رنج سفر بر خود هموار ساخت و کوی به کوی و جای به جای جهان را در نوردید و به سیر آفاقی در کنار سیر انفسی دست زد تا به راز و رمز پیشرفت‌ها و تمدن‌ها دست یافت و از فروپاشی و سقوط آن‌ها درس عبرت و تجربه آموخت. خداوند در آیات نه تنها اصل مسئله گردشگری را مورد تشویق و ترغیب قرار داده، بلکه آن را در قالب فرمان و امر به پیروان خود تکلیف کرده است. امر «سیروا» و «انظروا» هر چه باشد چون دیگر اوامر قرآن است که مخاطبان مسلمان باید آن را جدّی بگیرند تا به دستاوردهای آن برسند.

۱. سفر و گردشگری در قرآن

خداوند در قرآن با سه روش متفاوت و جذاب، مردم را به سفر و گردشگری ترغیب می‌کند:



۱-۱. دستور صریح به گردشگری و مسافرت

گردشگری و استفاده از مناظر زیبای طبیعت، آبشارها، کوه‌ها، دریاها و آثار باستانی، دشت‌ها و حتی کویر مورد سفارش دین اسلام است تا آن جا که سیر و سفر را مقدمه علم‌آموزی و عبرت‌اندوزی می‌داند:

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ؛ (روم: ۴۲) بگو در زمین سیر کنید پس بنگرید عاقبت کسانی که قبل از شما (زندگی می‌کردند و) بیشترشان مشرک بودند چگونه بود.

خداوند در این آیه شریفه رسول اکرم (ص) را مأمور می‌کند به اینکه به مردم دستور دهد تا در روی زمین سیر کنند و آثار باقیمانده اقوام گذشته و سرانجام آنان را ببینند که چگونه خانه‌هایشان خراب و آثارشان محو شد، و دچار انواع گرفتاری‌ها بلاها شدند و نسلشان منقرض شد، به خاطر اینکه بیشترشان مشرک بودن. پس خدا جزای بعض کرده‌هایشان را به ایشان چشانید تا شاید عبرت گیرندگان آینده، عبرت بگیرند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۶: ۲۹۵) خداوند در این آیه با واژه «سیروا» مردم را به سفر و جهانگردی امر می‌کند و با واژه «انظروا» یکی از اهداف سیر و مسافرت را عبرت از گذشتگان اعلام می‌کند. (قرائتی، ۱۳۸۳، ۹: ۲۰۹)

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ (عنکبوت: ۲۰) بگو در زمین بگردید، پس بنگرید که (خداوند) چگونه آفرینش را آغاز کرده است؟ سپس (همان) خدا نشئه آخرت (قیامت) را ایجاد می‌کند، همانا خداوند بر هر کاری بسیار توانا است.

در این آیه بحث جدی در مورد سیر و گشت در زمین مطرح شده که تأمل در آن دورنمای صنعت توریست و سیر و سیاحت را جلوه‌ای دیگر می‌بخشد و بیانگر عمق و نگرش قرآن کریم و آئین مقدس اسلام بر مسئله‌ای است که در حال حاضر جنبه انحرافی و ضد اخلاقی به خود گرفته و از توریسم و سیر و سیاحت جز لهو و لعب و خوشگذرانی‌های توأم با گناه چیزی درک نمی‌شود. در صورتی که با بررسی کل آیات در این زمینه به‌ویژه این آیه، پی می‌بریم که خداوند متعال چه دستورات سالم و



پندآموزی برای بشر فرستاده و تبیین نموده است.

در این آیه توصیه شده که در زمین سفر کنید، انواع موجودات زنده را ببینید، اقوام و جمعیت‌های گوناگون را با ویژگی‌های آن‌ها ملاحظه کنید و بنگرید که خداوند آفرینش نخستین آن‌ها را چگونه ایجاد کرده است. سپس همان خداوندی که قدرت بر ایجاد این همه موجودات رنگارنگ و اقوام مختلف دارد، جهان آخرت را هم ایجاد می‌کند؛ زیرا او با خلقت نخستین قدرش را بر همگان ثابت کرده است. در این آیه بحث معاد و اثبات وسعت قدرت خداوند نیز مطرح است. در ابتدای آیه پیرامون خلقت نخستین انسان و آنچه اطراف او است، سخن می‌گوید و قسمت دوم آیه مربوط به آخرت و حیات اخروی است که می‌گوید خداوندی که اول بار با قدرت و توانمندی، خلقت جهان هستی را آغاز نموده و انسان‌ها را نیز خلق کرده است، در آخرت نیز قادر است انسان‌ها را زنده کند و جهان آخرت را برپا نماید.

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ؛ (سبا: ۱۸) و میان آن‌ها و شهرهایی که برکت داده بودیم، آبادی‌های آشکاری قرار دادیم و سفر در آن‌ها را به طور متناسب [با فاصله نزدیک] مقرر داشتیم [و به آنان گفتیم] شب‌ها و روزها در این آبادی‌ها با ایمنی سفر کنید. این آیه مربوط به قوم سبا است. چنانکه از این آیات و برخی روایات استفاده می‌شود، قوم سبا جمعیتی بودند که در جنوب جزیره عربستان زندگی می‌کردند و تمدنی عالی و درخشان داشتند. این منطقه رودخانه مهمی نداشت و آب باران در دشت به هدر می‌رفت. لذا مردم به فکر افتادند که سدّ بزرگی بسازند و آب را پشت آن ذخیره کنند. در انتهای یکی از درّه‌ها، در کنار شهر «مَارِب»، سدّ خاکی عظیمی ساختند که به همین نام مشهور شد. آب خروجی از این سدّ باعث آبادانی دو طرف رودی شد که از پای سدّ جاری بود و روستاهای بسیاری با باغستان‌ها و کشتزارهای زیبا در دو طرف آن پدیدار گشت. فاصله این روستاها با یکدیگر بسیار کم و تقریباً به هم متصل بود و وفور نعمت همراه با امنیت، محیطی مرقّه را برای زندگی آماده کرده بود. (قرائتی، ۱۳۸۳، ۹: ۴۳۶)



و منظور از «قری ظاهره» آبادی‌های نزدیک به هم و پشت سرهم است؛ به طوری که از این قریه، قریه دیگر قابل رویت است. بنابراین سیر و گردشگری در چنین آبادی‌هایی چه شب و چه روز در امنیت خواهد بود. بعضی از مفسران «قری ظاهره» را طور دیگری تفسیر کرده و گفته‌اند:

اشاره به آبادی‌هایی است که درست در مسیر راه به طور آشکار قرار داشته و مسافران به خوبی می‌توانستند در آن‌ها توقف کنند. یا اینکه این آبادی‌ها بر بالای بلندی قرار داشته و برای عابرین ظاهر و آشکار بوده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۸: ۶۳)

سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ؛ (انعام: ۱۱) بگو [ای پیغمبر] که در روی زمین بگردید آن‌گاه بنگرید که عاقبت سخت آن‌ها که تکذیب کردند، چگونه بود.

در این آیه هم مانند آیه ۴۲ سوره روم، خداوند مردم را به سیر و سفر و گردش امر می‌کند تا با دیدن آثار به جا مانده از اقوام گذشته، عبرت بگیرند.

۲-۱. توبیخ به خاطر عدم مسافرت

خداوند در آیات متعدد و تقریباً با جملات واحد و با «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ» انسان را به خاطر عدم مسافرت و عبرت‌گیری مورد توبیخ قرار می‌دهد.

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ؛ (یوسف: ۱۰۹) آیا در روی زمین سیر نکرده‌اند تا عاقبت حال پیشینیان‌شان را [که چگونه هلاک شدند] بنگرند.

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا؛ (فاطر: ۴۴) آیا این مردم در روی زمین سیر نکردند تا عاقبت ستمکاران پیش از خود را که نیرو و اقتدارشان هم بسیار بیش از اینان بود، [به دیده عبرت] بنگرند که چگونه شد! و هیچ موجودی در آسمان‌ها و زمین از قدرت خدا نتواند کاست که همانا خدا در ازل و ابد عالم قادر مطلق است.



أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لِلْكَافِرِينَ أَثْمَالُهَا؛ (محمد: ۱۰) آیا در زمین به سیر و سفر نمی‌روند تا به چشم خود عاقبت حال پیشینیان را مشاهده کنند که چگونه آن‌ها را خدا هلاک کرد! البته این کافران هم مانند آن‌ها به کیفر کفر خود می‌رسند.

در این آیات خدا دعوت به گردش و سفر را به نحو توبیخ و انذار این گونه بیان می‌کند که چرا در زمین مسافرت نمی‌کنند تا از آثار به‌جای مانده از اقوام گذشته که پیغمبران خود را تکذیب کردند، عبرت بگیرند (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۲: ۳۱۱) این (سیر در ارض) و گردش در روی زمین، مشاهده آثار گذشتگان و ویرانی قصرها و آبادی‌هایی که در زیر ضربات عذاب الهی در هم کوبیده شده، بهترین درس را به آن‌ها می‌دهد. درس زنده و محسوس که برای همگان قابل لمس است. (نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ۸: ۲۱۹) در این آیات پروردگار بر نظر و تدبیر در آثار گذشتگان تأکید و امر می‌کند و به‌صورت استفهام و تنبیه می‌فرماید آیا این مردم به اکناف جهان و اقطار زمین سیر و سفر نمی‌کنند تا پایان کار گذشتگان را که بسیار از ایشان نیرومند و قوی‌تر بوده و اکنون اثری از آن‌ها باقی نمانده و خداوند به کیفر گناهانشان همه را هلاک نموده، ببینند و عبرت بگیرند (بروجردی، ۱۳۶۶، ۶: ۱۲۲)

۳-۱. سفر برای عبرت‌گیری از سرگذشت‌های اقوام گذشته

قرآن کریم در آیات متعدد مردم را به سیر و گردش در زمین فرمان داده است تا با حال گذشتگان آشنا شوند، علل انحراف و انحطاط آنان را دریابند و با دل‌هایی زنده و بیدار و گوش‌هایی شنوا، زندگی کنند.

فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ؛ (نحل: ۳۶) در روی زمین گردش کنید تا بنگرید عاقبت آنان که [انبیاء را] تکذیب کردند، به کجا رسید و آن‌ها چگونه هلاک ابدی شدند.

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ؛ (نمل: ۶۹) بگو در زمین سیر کنید و بنگرید عاقبت مجرمان چگونه بوده است.

آثاری که در نقاط مختلف روی زمین از دوران قدیم باقی مانده، اسناد زنده و



گویای تاریخ هستند، حتی ما از آن‌ها بیش از تاریخ مدون بهره‌مند می‌شویم. آثار باقی مانده از دوران گذشته، اشکال و صور و نقوش، روح و دل و تفکرات و قدرت و عظمت و حقارت اقوام را به ما نشان می‌دهد. در صورتی که تاریخ فقط حوادث وقوع یافته و عکس‌های خشک و بی‌روح آن‌ها را مجسم می‌کند. ویرانه‌ کاخ‌های ستمگران، بناهای شگفت‌انگیز اهرام مصر، برج بابل و کاخ‌های کسری در مداین، آثار تمدن قوم سبا و صدها مثل این‌ها که در گوشه و کنار جهان پراکنده است، هر یک در عین خاموشی هزار زبان دارد و سخن‌ها می‌گوید.

مطالعه یک سطر از این تاریخ‌های زنده، معادل مطالعه یک کتاب قطور تاریخی است و اثری که این مطالعه در بیداری روح و جان بشر دارد، با هیچ چیز دیگری برابری نمی‌کند؛ زیرا وقتی در برابر آثار گذشتگان قرار می‌گیریم، گویا یک مرتبه ویرانه‌ها جان می‌گیرد و استخوان‌های پوسیده از زیر خاک زنده می‌شوند و جنب و جوش پیشین خود را آغاز می‌کنند. لذا قرآن مجید دستور می‌دهد که در روی زمین به سیر و سیاحت پردازید و آثار گذشتگان را در دل زمین یا در روی خاک با چشم خود ببینند و از مشاهده آن عبرت بگیرید.

قرآن برای بیدار ساختن افراد لجوج و خودخواه، به پیامبر دستور می‌دهد که به آن‌ها سفارش کند تا در زمین به سیر و سیاحت پردازند و عواقب کسانی که حقایق را تکذیب می‌کردند، با چشم خود ببینند شاید بیدار شوند. شکی نیست که مشاهده آثار گذشتگان و اقوامی که بر اثر پشت پا زدن به حقایق، راه فنا و نابودی را پیمودند، تأثیرات بسیار بیشتر از مطالعه تاریخ در کتاب‌ها دارد؛ زیرا این آثار، حقیقت را محسوس و قابل لمس می‌سازد. شاید به خاطر همین است که جمله «انظروا» (نگاه کنید) را به کار برده است نه «تفکروا» (بیندیشید)؛ و ذکر کلمه «ثُمَّ» (در آیه ۱۱ سوره انعام) که معمولاً در مورد عطف با فاصله زمانی به کار می‌رود، ممکن است به خاطر توجه دادن به این حقیقت باشد که در این سیر و قضاوت خود عجله نکنند، بلکه وقتی آثار گذشتگان را مشاهده کردند، با حوصله و دقت بیندیشند. سپس نتیجه‌گیری کرده و عاقبت کار آن‌ها را با چشم ببینند.



أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا؛ (حج: ۴۶) [این منکران] در زمین سیر نکرده‌اند تا دل‌هایی داشته باشند که با آن بیندیشند یا گوش‌هایی که با آن بشنوند.

در این آیه خداوند مردم را وادار می‌کند که از سرگذشت شهرها و قُرّائی که ویران شده، عبرت گیرند و در زمین سیر کنند؛ زیرا سیر در زمین انسان را به تفکر وادار می‌کند. درواقع خداوند می‌فرماید چرا از ابزار سفر برای کشف حقایق استفاده نمی‌کنند؟ و با این سؤال، انسان به سفر امر می‌شود. و در تفسیر دیگر از آیه فوق آمده است:

آیه مبنی بر تأکید درباره سیر در اطراف و جوانب سرزمینی است که در آن زندگی می‌کنند که آثار خرابه‌های امت‌های گذشته و اقوام پیشین را از نزدیک مشاهده کنند، در آن باره بنگرند و بیندیشند که امت‌ها و اقوامی در آن‌ها سال‌های متمادی سکونت داشته زندگی می‌کردند و آثاری از خود نشان داده و به جا نهاده چه شده که یکباره ساکنان آن شهر و آن دیار و سرزمین هلاک شده و پس از اندک زمانی آثار و ساختمان‌های آن‌ها نیز رو به خرابی و ویرانی نهاده، سقف‌ها فرو ریخته و دیوارها خراب شده، با اندک تفکر و اندیشه غضب آفریدگار را در آن سرزمین مشاهده خواهد نمود که در اثر کفران نعمت و ناسپاسی، شایسته عقوبت شده، پروردگار آن‌ها را به هلاکت افکنده است. چنانچه از مشاهده صحنه آن سرزمین و خرابی و ویرانی بلاد و شهرها به سبب آن‌ها نتوانست پی ببرد، مشاهده این صحنه شگفت‌آور او را به حکم خرد وادار می‌نماید که از مردم خردمند سؤال کنند او را رهبری خواهند نمود (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ۱۱: ۱۸۷)

۲. سفر و گردشگری در روایات

گشت و گذار در مکان‌های تفریحی و دیدنی زمین، یکی از نیازهای فطری هر انسانی است تا رفع خستگی نماید و به جسم و روح خود نشاط و شادابی ببخشد. این میل و گرایش فطری حتی در سیره معصومان^(ع) نمایانگر است. آن بزرگواران گاهی به قصد

نگارنده: نقل شده:

عَنْ عَمْرِو بْنِ حُرَيْثٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَهُوَ فِي مَنْزِلِ أَخِيهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا حَوَّلَكَ إِلَى هَذَا الْمَنْزِلِ قَالَ طَلَبُ النَّزْهَةِ؛ إِمَامٌ صَادِقٌ^(۲) رَأَيْتُمْ أَنَّهُ بِهَذَا الْبَيْتِ بَرَادِرُ شَانِ، عَبْدِ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ، تَشْرِيفٌ مِثْلُ بَرَادِرِ بْنِ أَبِي بَرْدٍ. (تاريخ طبرستان، ج ۱، ص ۱۸۷)

امام صادق علاوه بر اینکه خود برای تفریح و گردش به سفر می رفتند، اصحاب و یاران خود را نیز سفارش به گردشگری و سفر می کردند ایشان در حدیثی می فرماید:

إِنَّ فِي حِكْمَةِ آلِ دَاوُدَ يَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِ الْعَاقِلِ أَنْ لَا يَرَى ظَاعِنًا إِلَّا فِي ثَلَاثِ مَرَّةٍ لِمَعَاشٍ أَوْ تَزْوُدٍ لِمَعَادٍ أَوْ لَذَّةٍ فِي غَيْرِ ذَاتِ مُحَرَّمٍ؛ هر مسلمان دانا، باید فرصت های زندگی خود را بر سه بخش تقسیم کند؛ بخشی از آن را برای کار و کسب درآمد صرف کند، بخش دیگر را به جمع آوری توشه و زاد برای آخرت پردازد و بخش سوم هم باید به تفریح های سالمی که از رفتار حرام در آن خبری نیست، سپری شود. پرداختن به این بخش سوم (تفریحات)، کمکی برای این فرد مؤمن خواهد بود که آن دو بخش اول را با کیفیتی بهتر انجام دهد. (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۲: ۲۶۵)

امام صادق^(ع) یکی از علل مسافرت کردن را استفاده و بهره بردن از لذت‌های حلال می‌دانند. گردشگری و بهره بردن از لذت‌های حلال آن قدر مهم است که امام صادق می‌فرماید حتی اگر تنگدست بودی باز هم خانواده‌ات را غمگین نکن و به مسافرت بپرداز: «إِذَا أَعْسَرَ أَحَدُكُمْ فَلْيُخْرِجْ مِنْ بَيْتِهِ وَلْيَضْرِبْ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعْ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَلَا يَغْمُ نَفْسَهُ وَ أَهْلَهُ». (ابن حیون، ۱۳۸۵، ۲: ۱۳)

یکی از سفارش‌های مهم حضرت امام رضا^(ع) به یاران خود سفارش به استفاده از لذت‌های حلال و بهره بردن از تفریحات دنیایی است، ایشان می‌فرماید:

اجْعَلُوا لِأَنفُسِكُمْ حِطًّا مِنَ الدُّنْيَا بِإِعْطَائِهَا مَا تَشْتَهِي مِنَ الْحَلَالِ وَمَا لَمْ يَنْلِ
الْمُرُوءَةُ وَلَا سَرَفٌ فِيهِ وَاسْتَعِينُوا بِذَلِكَ عَلَى أُمُورِ الدِّينِ فَإِنَّهُ نَرَوِي لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ



دُنْيَاهُ لِدِينِهِ؛ برای خود بهره‌ای از دنیا برگیرید و از لذت‌های حلال استفاده کنید. کسی که به خاطر دینش، دنیا را ترک کند از ما نیست. (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۴۱۰)

حضرت علی^(ع) خطاب به فرزندش در کنار سفارش به معنویات و مناجات به خدا

فرزندش را به استفاده از لذت‌های حلال و دنیایی سفارش می‌کند:

لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ فَسَاعَةٌ يَنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ وَ سَاعَةٌ يَرْمُ [فِيهَا مَعَاشَهُ] مَعَاشَهُ وَ سَاعَةٌ يَخْلِي [فِيهَا] بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ لَذَّتِهَا فِيمَا يَحِلُّ وَ يَجْمَلُ؛ مؤمن کسی است که این سه وقت را در زندگی خود قرار داده باشد؛ بخشی از آن را به معنویات پردازد و با پروردگارش مناجات کند، قسمتی در فکر معاش و امور دنیا می‌گذرد و قسمتی را به این تخصیص می‌دهد که از لذت‌های حلال و مشروع بهره‌مند شود. (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۵۴۵، ح ۳۹۰)

همچنین ایشان در تفسیر آیه ۷۷ از سوره قصص «وَلَا تَتَسَّ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» غ (و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن) می‌فرماید: یعنی لا تنس صحتک و قوتک و فراغک و شبابک و نشاطک؛ سلامتی، نیرو، فرصت، جوانی و نشاطت را فراموش نکن (بحرانی، ۱۴۱۶: ۴، ۲۸۸)

نسبت به سفر و گردشگری احادیث فراوانی در کلام رسول اکرم^(ص) نیز می‌شود. ایشان در حدیثی این‌گونه پیروان خود را به مسافرت و گردشگری ترغیب می‌کند: «سَافِرُوا فَإِنَّكُمْ إِنْ لَمْ تَغْنَمُوا مَالًا أَفَدْتُمْ عَقْلًا؛ مسافرت بروید؛ زیرا در سفر اگر نفع مالی عایدتان نشود، از فوائد عقلانی و تجربی آن بهره‌مند خواهید شد». (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۴۰)

در حدیث دیگر درباره جایگاه مسافر در نزد خدا این‌گونه می‌فرماید:

لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ رَحْمَةَ اللَّهِ لِلْمَسَافِرِ لَأَصْبَحَ النَّاسُ عَلَى ظَهْرِ سَفَرٍ إِنَّ اللَّهَ بِالْمَسَافِرِ رَحِيمٌ؛ اگر مردم از رحمت خدا به مسافر، خبر می‌داشتند، همگی بار سفر می‌بستند. همانا خداوند با مسافران بسی مهربان است. (ورام بن ابی فراس، ۱۴۱۰: ۱، ۳۳)

و در حدیثی دیگر کسانی را که به مسافر و گردشگری کمک کنند، مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌فرماید:



مَنْ أَعَانَ مُؤْمِنًا مُسَافِرًا نَفْسَ اللَّهِ عَنْهُ ثَلَاثًا وَسَبْعِينَ كَرْبَةً وَأَجَارَهُ مِنَ الْغَمِّ وَالْهَمِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَنَفَّسَ عَنْهُ كَرْبَهُ الْعَظِيمَ يَوْمَ يَعِضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ؛ کسی که مسافر مؤمنی را یاری رساند، خداوند از او ۷۳ اندوه را برمی دارد و در دنیا و آخرت، وی را در پناه خود می گیرد. چنین شخصی، در روز قیامت که ستمگر دست خود را به دندان می گیرد، از ناراحتی بزرگ آن روز، آسوده و در امان است. (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۶۶)

۳. فواید سفر و گردشگری

اسلام سفر کردن را فقط برای تفریح نمی داند، بلکه سفر می تواند جنبه علمی آموزشی و حتی می تواند عاملی برای افزایش میزان معرفت به خدا و ایمان و عامل ازدیاد رزق و روزی از طرف خداوند باشد. در خصوص فواید سفر و گردشگری از ائمه اطهار و نبی اکرم (ص) احادیث و روایتی ذکر شده است که در آن‌ها مسافرت مورد تشویق قرار گرفته و فواید معنوی و مادی آن یادآوری شده است. حضرت امام علی (ع) در شعری که منسوب به ایشان است می فرماید:

تَغْرَبُ عَنِ الْأَوْطَانِ فِي طَلَبِ الْعُلَى فَسَافِرٌ فِي الْأَسْفَارِ خَمْسَ فَوَائِدٍ
تَقْرُجُ هَمِّمْ وَاكْتِسَابُ مَعِيشَةٍ وَعِلْمٌ وَأَدَابٌ وَصُحْبَةٌ مَاجِدٌ
سفر کن برای به دست آوردن برتری‌ها. سفر پنج فایده دارد: برطرف شدن غم و اندوه، کسب معیشت، کسب علم، برخورد با آداب و رسوم دیگران، به دست آوردن هم‌نشینان و دوستان خوب. (مبیدی، ۱۴۱۱: ۱۳۹)

در ادامه چند مورد از فواید سفر و گردشگری از منظر آیات و روایات را بررسی می کنیم:

۱-۳. تفریح و تفرج

یکی از مهم‌ترین اهداف سفر و گردشگری از منظر اسلام تفریح است. خداوند در قرآن با دعوت به گردشگری و بهره بردن از طبیعت، این امر را موجب سرور و شادمانی می داند و در قرآن می فرماید:



أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا قَوْمٌ يَعْدِلُونَ؛ (نمل: ۶۰) یا آن خدایی که آسمان‌ها و زمین را خلق کرده و از آسمان برای شما باران فرستاد تا با آن درختان و باغ و بستان‌ها را در کمال سبزی و خرمی رویانیدیم که هرگز شما [از پیش خود] قادر بر رویانیدن آن درختان نبودید آیا با وجود خدای یکتا خدایی هست؟ [هرگز خدایی نیست]، بلکه این مشرکان [از نادانی، از خدا] روی می‌گردانند.

گاهی هدف از سیر در خشکی و دریا را شاد شدن بندگان معرفی می‌کند:

هُوَ الَّذِي يَسِيرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرِينَ بِهِمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا؛ (يونس: ۲۲) او است آن که شما را در برّ و بحر سیر می‌دهد تا آن‌گاه که در کشتی نشینید و کشتی با باد ملایمی سرنشینان را به حرکت درآورد و آن‌ها شادمان و خوشوقت باشند.

حضرت امام علی^(ع) با تقسیم اوقات و امور زندگی به سه وقت، یکی از آن‌ها را به بهره‌مندی از لذت‌های حلال و تفریح اختصاص داده است و می‌فرماید: وَقَالَ عَ لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ فَسَاعَةٌ يَنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ وَ سَاعَةٌ يَرْمُ [فِيهَا مَعَايِشُهُ] مَعَايِشُهُ وَ سَاعَةٌ يَخْلِي [فِيهَا] بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ لَذَّتِهَا فِيمَا يَحِلُّ وَ يَجْمُلُ وَ لَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا إِلَّا فِي ثَلَاثٍ مَرْمَةٍ لِمَعَاشٍ أَوْ خُطْوَةٍ فِي مَعَادٍ أَوْ لَذَّةٍ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ؛ (البلاغه، ح ۳۹۰)

حضرت علی (علیه السلام) در این گفتار حکیمانه برنامه‌ای به منظور نظم زندگی پربرکت برای انسان‌ها، ارائه داده است. نخست می‌فرماید: «انسان باایمان ساعات شبانه‌روز خود را به سه بخش تقسیم می‌کند»؛ (لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ). روشن است که منظور از ساعت در اینجا، ساعت مصطلح امروز نیست که عبارت از شصت دقیقه باشد، بلکه ساعت به مفهوم لغوی آن است؛ یعنی بخشی از زمان (برهه من الزمان). آن‌گاه به این تقسیم سه‌گانه پرداخته، می‌فرماید: «قسمتی را صرف مناجات با پروردگارش می‌کند و قسمت دیگری را برای ترمیم معاش و کسب و کار زندگی قرار می‌دهد و قسمت سوم را برای بهره‌گیری از لذات حلال و دلپسند می‌گذارد»؛

(لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ: فَسَاعَةٌ يَنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ، وَ سَاعَةٌ يُرْمُ مَعَاشَهُ، وَ سَاعَةٌ يَخْلِي بَيْنَ نَفْسِهِ وَبَيْنَ لَذَّتِهَا فِيمَا يَحِلُّ وَ يَجْمُلُ). به این ترتیب قسمت مهم و اصلی زندگی همان مناجات با پروردگار است و قسمت دوم که انسان را برای بخش اول آماده می‌سازد ترمیم معاش و کسب درآمدهای مادی است به گونه‌ای که سربار دیگران نباشد و زندگی معقول آبرومندی برای خود تهیه کند. بخش سوم که در واقع کمک به دو بخش اول می‌کند این است که به استراحت و تفریح سالم پردازد تا هم نشاط برای کار پیدا کند و هم برای عبادت و نیز بتواند سلامتی را که شرط انجام بخش اول و دوم است برای خود حفظ کند.

امام کاظم^(ع) در رابطه با تقسیم اوقات، خطاب به مؤمنین می‌فرماید:
اجْتَهِدُوا فِي أَنْ يَكُونَ زَمَانُكُمْ أَزْبَعَ سَاعَاتٍ - سَاعَةً لِمُنَاجَاةِ اللَّهِ وَ سَاعَةً لِأَمْرِ الْمَعَاشِ - وَ سَاعَةً لِمُعَاشَرَةِ الْإِخْوَانِ - وَ الثَّقَاتِ الَّذِينَ يَعْرِفُونَكُمْ عُيُوبَكُمْ - وَ يَخْلِصُونَ لَكُمْ فِي الْبَاطِنِ - وَ سَاعَةً تَخْلُونَ فِيهَا لِلذَّائِكُمْ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ - وَ بِهِذِهِ السَّاعَةُ تَقْدِرُونَ عَلَى الثَّلَاثَةِ سَاعَاتٍ؛ سعی کنید شبانه‌روز خود را چهار قسمت نمایید. یک قسمت برای مناجات با خدا، یک قسمت برای امر معاش و یک قسمت برای معاشرت با برادران و دوستان مورد اعتمادی که عیب‌های شما را گوشزد می‌کنند و در باطن به شما علاقه دارند و یک قسمت برای لذت و بهره‌برداری‌های غیر حرام. با این قسمت شما بر سه قسمت دیگر قدرت پیدا می‌کنید. (معرفت، ۱۳۸۷، ۵: ۱۸۲)
حضرت امام کاظم^(ع) در این حدیث شریف برای نشان دادن اهمیت تفریح، می‌فرمایند تفریح باعث می‌شود که برای مناجات، کسب معاش و معاشرت با دیگران، توان و نشاط لازم را داشته باشید.

۲-۳. سلامتی و آرامش

بیشتر اضطراب‌ها، افسردگی‌ها، فشارها و اختلالات رفتاری ناشی از شرایط خشک و یکنواخت و بعضاً ملال‌آور زندگی است که سلامت روان فرد را به مخاطره می‌اندازد. عزم سفر و تغییر محیط مؤثرترین شیوه تأمین بهداشت روان و بالطبع سلامت جسم و جان است.



تجربه و آموزه‌های عملی ثابت کرده که سفر، نقش مثبتی در تندرستی و بهداشت روانی انسان دارد. شاید این اثر جسمی و روانی از آن رو باشد که با تغییر آب و هوا و پانهادن به محیط‌های جدید، روح آدمی به وجد و سرور می‌آید و همین فرحناکی، در سلامت جسم نیز اثر می‌گذارد. به همین دلیل، پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص) به صراحت فرموده‌اند: «سَافِرُوا تَصِحُّوا؛ مسافرت کنید تا سالم بمانید». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۹: ۲۶۷)

خداوند آرامش بخشی و شادی‌آفرینی را به تک‌تک پدیده‌های طبیعی داده است. وقتی خدا اشیا را آفرید، برای هر کدام آثاری را نیز آفرید. یکی از آثار مهمی که خداوند در پدیده‌های طبیعی خلق کرد، آرامش بخشی است. خداوند در جای جای طبیعت برای انسان‌ها وسیله‌ها و ابزارهایی برای آرامش و شادی نهاده است. قرآن کریم در موارد متعددی به آرامش بخشی طبیعت اشاره نموده است. به عنوان مثال در سوره یونس می‌خوانیم:

هُوَ الَّذِي يَسِيرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرَيْنَ بِهِمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا...؛ (یونس: ۲۲) اوست که شما را در خشکی و در دریا، حرکت می‌دهد. تا آنگاه که در کشتی‌ها هستید و باد موافق، به حرکتتان می‌آورد، شادمانید.

این‌گونه آیات، شادی را در نتیجه برخورداری از نعمت‌های الهی می‌دانند. انسان‌های قدردان و سپاس‌گزار، می‌توانند بهره‌کافی از چنین موقعیت‌هایی ببرند و آن را به شادی پایدار، تبدیل نمایند. (خطیب، ۱۳۹۱: ۴۳)

یکی از جاذبه‌های مهم گردشگری در تمام دنیا، گیاهان و درختان است. از مهم‌ترین فواید گیاهان و درختان علاوه بر تلطیف هوا، تعادل دمای محیط و حفاظت از خاک و دیگر فایده‌ها، آرامش بخشی به انسان‌ها است. اسلام با در نظر گرفتن این فایده بسیار مهم، مردم را به سیر و سیاحت و تماشای گیاهان و درختان سرسبز تشویق می‌کند. رنگ سبز یکی از نشاط‌آورترین رنگ‌ها است و حدود ده مرتبه در قرآن از این رنگ نام برده شده است. لذا امام علی (ع) می‌فرماید: «النَّظَرُ إِلَى الْخُضْرَةِ نُشْرَةٌ؛ نگاه کردن به سبزه موجب شادابی است». (نهج البلاغه، ح ۴۰۰)

بر اساس یافته‌های دانشمندان رنگ سبز مفرّح بوده و تب را کم کرده و در بعضی از اتاق‌های بیمارستان‌ها به کار می‌رود و موجب برانگیخته شدن فکر بوده و راهنمای شکیبایی است که برای معالجه بیماری‌های عصبی و اختلالات روانی استفاده می‌شود. این رنگ برای رفع خستگی مفید بوده و قدرت تحمل و صبوری افراد را نیز افزایش می‌دهد. سبز متمایل به زرد احساس جوانی را به وجود می‌آورد. این رنگ به‌عنوان یک رنگ بهشتی در قرآن مطرح است. (بیستونی، ۱۳۸۵: ۸۱) در مجموع از اشارات قرآن کریم و تحقیقات دانشمندان روشن می‌شود که رنگ سبز از رنگ‌های شادی‌آور و از نشانه‌های پروردگار عالمیان است و به توحید ربوبی دلالت دارد؛ زیرا همان کسی که انسان را خلق کرده، این طبیعت سرسبز، زیبا و مسرت‌بخش را برای او آفریده و نهایت پیوستگی، ارتباط و نظم را در کل این مجموعه قرار داده و بین تک‌تک اجزای آن هماهنگی بخشیده است. (رستم نژاد و نوید، ۱۳۸۹: ۱۵۳)

۳-۳. افزایش رزق و روزی

در احادیث معصومین از عواملی به‌عنوان عوامل افزایش رزق نام برده شد است؛ مانند صله‌رحم، صدقه، خوش اخلاقی و موارد دیگر، ولی یکی از عواملی که ما از آن غافل هستیم و کمتر مورد اشاره قرار گرفته، مسافرت و گردشگری است. پیامبر خدا^(ص) فرمود: «سَافِرُوا تَصِحُّوا وَ تُرْزَقُوا» (پاینده، ۱۳۸۲: ۵۱۹) مسافرت کنید تا تندرستمانید و روزی داده شوید».

۳-۴. صله‌رحم

یکی از وظایف اخلاقی و عبادی هر مسلمان، دیدار از خویشاوندان و والدین است که در فرهنگ اسلامی از آن به صله‌رحم یاد می‌شود. ارحام به کسانی گفته می‌شوند که با انسان نسبت نسبی دارند، خواه محرم باشد یا نامحرم. رفت و آمد با این خویشاوندان از ارزش‌های اسلامی به شمار آمده و ثواب فراوانی دارد. در روایات اسلامی بر صله‌رحم بسیار تأکید شده و ترک‌کننده آن به شدت نکوهش شده است. پیامبر اکرم^(ص) همیشه به این مهم پایبند بودند و در سفارشی بلیغ فرمود:



أَوْصَى الشَّاهِدَ مِنْ أُمَّتِي وَالْغَائِبَ مِنْهُمْ وَمَنْ فِي أَصْلَابِ الرِّجَالِ وَأَرْحَامِ النِّسَاءِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَنْ يَصِلَ الرَّحِمَ وَإِنْ كَانَتْ مِنْهُ عَلَى مَسِيرَةِ سَنَةٍ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ؛ (طبرسی، ۱۳۸۵: ۶۳) به همه افراد اتمم از حاضر و غایب آنان، حتی آنان که در رحم مادر و پشت پدراند، سفارش می‌کنم که با خویشان خود رابطه داشته باشند، اگرچه یک سال راه در پیش باشد؛ زیرا چنین عملی نشانه دین‌داری است.

۵-۳. عبرت‌آموزی

مهم‌ترین فایده و اثر سیر و سفر از نظر اسلام، پندگیری و عبرت‌آموزی از گذشتگان و تاریخ است. در قرآن آیات بسیاری همت و کوشش مردم را به شناخت آفاق وجود و اسرار آفرینش و آثار رحمت الهی و نشانه‌های علم و قدرت پروردگار توجه می‌دهد. سفر انسان را با سرنوشت و آثار برجای مانده از پیشینیان آشنا می‌کند و این آشنایی، بزرگ‌ترین آموزگار بشر است. درواقع سفر نوعی مطالعه و تأمل در حالات و رفتار کسانی است که تاریخ، سرنوشت و فرجام آنان را برای ما بازگفته است. این همان درس بزرگی است که قرآن چندین بار بدان اشاره کرده است:

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ؛ (یوسف: ۱۹۰) آیا آنان در زمین سیر نکردند تا بنگرند عاقبت پیشینیان را؟ همانا خانه آخرت بهتر است برای کسانی که می‌پرهیزند. آیا نمی‌اندیشید؟

عبرت‌گیری در همه ابعاد از جمله عبرت در حوزه سنت‌های الهی حاکم بر جامعه، مانند سنت نابودی و استیصال به سبب گناه و جرم و ظلم، نوعی تجربه‌گیری است که از طریق سفر به دست می‌آید. انسان با مسافرت می‌تواند تحلیل دقیق و علمی از سنت‌های الهی درباره جان، جامعه و جهان داشته باشد و قوانین حاکم بر آن‌ها را به دست آورده و خود را با پیش‌بینی علمی، برای شرایط گوناگون آماده سازد. به‌طورکلی قرآن انسان‌ها را به انجام سفر تشویق می‌کند تا با دقت و تدبر در آثار پیشینیان از عملکردهای آنان عبرت بگیرند و روش اشتباه آنان را تکرار نکنند.

مشاهده آثار تاریخی و شگفتی‌های طبیعت و دیدار منظره‌ها و زیبایی‌های شهرها



و کشورها، آشنایی با فرهنگ و آداب ملت‌ها و دیدن عجایب و غرایب یکی دیگر از انواع پیامد و فواید سفرها است که انگیزه مهمی برای جهانگردان و سیاحان برای گردشگری است. آثار به جامانده از گذشته، همواره یکی از مهم‌ترین جاذبه‌ها برای گردشگران و جهانگردان، محققان علوم و فنون و هنرهای مختلف و حتی مردم عوام بوده تا مشتاقانه در مسیر سفر قدم گذارند.

۶-۳. خداشناسی و ازدیاد معرفت

یکی از راه‌های خداشناسی معرفی شده در متون دینی، سیر در آفاق یا شناخت علت از طریق معلول است که در علم منطق از این نوع استدلال به برهانانی هم یاد شده است. این نوع استدلال از نظر منطق هرچند ضعیف است و گاهی منتج یقین نیست؛ اما می‌تواند مقدمه‌ای برای استدلالات دیگر شود و انسان را به یقین و معرفت برساند. تدبیر و تفکر در آیات آفاقی برای معرفت خدا، بسیار سفارش شده است. اگر به عجایب خلقت و مناظر زیبای آن که آینه‌ای جمالی و جلال خالق قادر متعال است. اگر با چشم دل نگریسته شود، اسراری بر انسان آشکار می‌گردد که وی را همیشه تسبیح‌گوی خدا می‌سازد و همه جا را جلوگاه اوصاف خدا می‌بیند. لذا با تمام اجزای عالم از اعماق دل زمزمه می‌کند: «به جهان خرم از آنم که جهان خرم از او است». یا به فرموده قرآن کریم: شرق و غرب هستی از خداوند است. پس به هر طرف روی کنید، رو به سوی خداوند است؛ «وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ». (بقره: ۱۱۵)

مشاهده بناهای تاریخی، کاخ‌ها و ویرانه‌های برجامانده که روزگاری در نهایت آبادانی و شکوه بودند، یادآور ناپایداری پدیده‌های مادی و فرجام ظلم ستمکاران و پایداری و جاودانگی انسان‌های طالب حق و حقیقت و بهترین پندآموز درس عبرت برای صاحبان بصیرت است. این هم نوعی درس خداشناسی خواهد بود که سمتگران را با کيفر اعمالشان رساند، همه دنیا و دنیاداران فانی است و تنها خداوند است که قدیم ازلی است و بقا مختص ذات او است. «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ». (الرحمن: ۲۶-۲۷)

نتیجه‌گیری

اسلام به همه ابعاد و نیازهای انسانی توجه کامل داشته و هیچ نیازی از منظر اسلام بی‌توجه نمانده است. خداوند در قرآن با روش‌ها و عبارات مختلف، انسان‌ها را به سمت و سوی سفر و گردشگری ترغیب می‌کند. با توجه به اهمیت و نقش سفر در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها، ائمه معصومین^(ع) هم با الهام از عبارات قرآنی، با مورد خطاب قرار دادن همه انسان‌ها و بیان فوائد گردشگری، آن‌ها را به این مهم دعوت می‌کنند. سفر و گردشگری یکی از راه‌های شکوفایی شخصیت و مناسب‌ترین فرصت برای زدودن عادات نامطلوب فکری و رفتاری و تعالی منش و شخصیت است. سفر و گردش در هر لحظه، فرد را روحی تازه و نیرومند و انرژی نوینی می‌بخشد و فرصت‌های نوین و امکانات تازه‌ای پیش می‌آورد که فرد را مجبور می‌کند توانایی‌های خود را بروز داده و مسئولیت‌پذیری و مهارت‌های مطلوب اجتماعی را بیاموزد. در بسیاری از مواقع، ایجاد تغییرات مطلوب در نظام بازخوردها و نگرش‌ها فقط از طریق مطالعه، موعظه و استدلال مقدور نیست. در چنین مواقعی سفری به مناطق و آشنایی با دیگران و مشاهده آثار و احوال افراد گوناگون، می‌تواند بستری مناسب برای تغییرات تدریجی و اصلاح نگرش‌ها باشد. با توجه به اهمیت سفر و گردشگری در شریعت اسلام و با کمک و بهره‌گیری از فرامین دین مبین اسلام، می‌توانیم به‌عنوان یک کشور اسلامی بنیان‌گذار صنعت گردشگری اسلامی باشیم و مدیران با برنامه‌ریزی دقیق و با بهره‌گیری از صاحب‌نظران اسلام نسبت به تعریف صنعت گردشگری اسلامی اقدام کنند.





فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳)، *من لایحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ دوم.
۲. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، (۱۳۸۵)، *دعائم الاسلام*، قم: موسسه آل البيت عليهم السلام، چ دوم.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴)، *تحف العقول*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ دوم.
۴. ابوالحسین، احمد بن فارس بن زکریا، (۱۴۰۴)، *معجم مقایس اللغة*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چ اول.
۵. بحرانی، سید هاشم، (۱۴۱۶)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران: بنیاد بعثت، چ اول.
۶. بروجردی، سید محمد ابراهیم، (۱۳۶۶)، *تفسیر جامع*، تهران: انتشارات صدر، چ ششم.
۷. بیستونی، محمد، (۱۳۸۵)، *رنگ شناسی از دیدگاه قرآن و حدیث*، قم: بیان جوان.
۸. پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۲)، *نهج الفصاحه*، تهران: دنیای دانش، چ چهارم.
۹. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۰)، *الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه*، بیروت: الدار العلم للملایین، چ اول.
۱۰. حسینی همدانی، محمد حسین، (۱۴۰۴)، *تفسیر انوار درخشان*، تهران: انتشارات لطفی، چ اول.
۱۱. خطیب، مهدی، (۱۳۹۱)، *درآمدی بر شادی از دیدگاه اسلام با رویکرد روان شناسی مثبت‌گرا*، قم: دار الحدیث، چ اول.
۱۲. رستم نژاد، مهدی، نوید، مهدی (پاییز و زمستان ۱۳۸۹) *اعجاز رنگ‌ها در قرآن*، مجله قرآن و علم، شماره ۷.



۱۳. شریف الرضی، محمدبن حسین، (۱۴۱۴)، نهج البلاغه، قم: انتشارات هجرت، چ اول.
۱۴. شیخ حر عاملی، محمدبن حسن، (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البيت عليهم السلام، چ اول.
۱۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ پنجم.
۱۶. طبرسی، حسن بن فضل، (۱۴۱۲)، مکارم الاخلاق، قم: انتشارات شریف رضی، چ چهارم.
۱۷. طبرسی، علی بن حسن، (۱۳۸۵)، مشکاه الانوار فی غرر الاخبار، نجف: المكتبة الحیدریة، چ دوم.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چ سوم.
۱۹. طریحی، فخرالدین، (۱۴۱۶)، مجمع البحرين، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چ سوم.
۲۰. قرائتی، محسن، (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چ یازدهم.
۲۱. قرشی، سیدعلی اکبر، (۱۴۱۲)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ششم.
۲۲. کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۰۷)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ چهارم.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چ دوم.
۲۴. معرفت، محمدهادی، (۱۳۸۷)، التفسیر الاثری الجامع، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، چ اول.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ اول.
۲۶. مبینی، حسین بن معین الدین، (۱۴۱۱)، دیوان امیرالمؤمنین علیه السلام، قم: دار نداء الاسلام للنشر، چ اول.



۲۷. نجفی خمینی، محمدجواد، (۱۳۹۸ ق)، تفسیر آسان، تهران: انتشارات اسلامی،

چ اول.

۲۸. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، (۱۳۱۰)، مجموعه ورام، قم: مکتبه فقهیه،

چ اول.